

مرکز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

نقد و بررسی شریعت، طریقت و حقیقت از دیدگاه عرفاء

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش: فلسفه اسلامی

نگارش: عتاب علی مفکری

استاد راهنما: دکتر حسن یوسفیان

استاد مشاور: حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان عربی

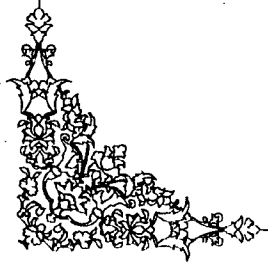
دی ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۷۵۸
تاریخ ثبت:

☒ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه، به عهده نویسنده می باشد.

☒ هر گونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلااشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

صلى الله عليه وسلم



تشکر و سپاس

بر خود لازم می دانم که از مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی 'به خصوص دست اندرکاران بخش پایان نامه' که امکان انجام این پژوهش را فراهم آوردند، و همچنین از استاد راهنما جناب آقای حسن یوسفیان و استاد مشاور حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان که با راهنمایی و مشاوره های سودمند و راهگشای خود بنده را در تدوین این پایان نامه یاری فرمودند صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم و از خداوند متعال برای همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.

تقدیم

تقدیم به فقیه و ارسته عارف به خدا پیوسته بنیانگذار انقلاب
جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره الشریف

چکیده:

این رساله تحقیقی است درباره موضوع مهم شریعت، طریقت و حقیقت که همواره یکی از مهم ترین مسائل عرفان بوده و واکنش های مختلفی درباره آن صورت گرفته است که ما چکیده بحث را در اینجا ذکر می کنیم.

۱: عرفان و تصوف مکتبی است که در آن برای کشف حقایق هستی تلاش می شود با تکیه بر کشف و شهود نه برهان و استدلال. کلمه تصوف که در قرن دوم و عرفان که در قرن سوم هجری معمول گشت، معمولاً مترادف یکدیگر بکار می روند؛ اگرچه تفاوت های نیز برای آن ذکر کرده اند. از همان آغاز میان صوفیان کسانی بوده اند که به بهانه های مختلف نسبت به دستورات و قوانین شریعت بی اعتنائی نشان می دادند و علاوه بر علماء خود عرفا در کلمات شان به این انحراف اشاره کرده اند.

عرفا و صوفیه اصل این سه واژه را از پیامبر اکرم (ص) می دانند و طبق حدیثی که به پیامبر اکرم نسبت می دهند سیر و سلوک خود را به سه مرحله شریعت، طریقت و حقیقت تقسیم نموده اند و این تقسیم در قرن چهارم هجری تحکیم شد.

شریعت در لغت به معنای راهی است در کناره رودخانه که خلیق و بهائم از آن جا آب می خورند و در اصطلاح به مجموعه دستورات و قوانین الهی اطلاق می شود.

طریقت در لغت به معنای راه و روش و در اصطلاح عرفا و صوفیه به راه و روش مخصوص آنها که مشتمل بر ((مقامات)) و ((احوال)) است که سالک برای رسیدن به حقیقت باید از آنها بگذرد، گفته می شود و نزد بعضی از آنها طریقت همان عمل به شریعت است.

و حقیقت در لغت به معنای چیزی است که بطور قطع ثابت و یا در جای خود مستقر است و در اصطلاح عرفا آخرین و مهم ترین منزل سلوک از منازل سه گانه گفته می شود.

در این بحث میان عرفا و صوفیه دو نظر کلی وجود دارد:

۱- این سه تا مراحل و مراتب یک حقیقت اند.

۲- این سه تا حقایق مختلف و جدا از یکدیگرند.

عرفاء ربانی و شریعت مدار طرفدار نظر اول اند آنها معتقدند که هیچ مرحله و مقامی نیست که انسان در آن از شریعت و عبادت بی نیاز شود ما در فصل سوم آراء و دلایل آنان، نیز بحث های مربوط به آن را مورد بررسی قرار داده ایم.

و در فصل چهارم آراء کسانی که معتقد به نظردوم اند می گویند که سالک با رسیدن به حقیقت از شریعت بی نیاز می شوند را آورده و مبانی شریعت گریزی و انحرافات آنان را در این زمینه مورد بررسی قرار داده ایم.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۲

فصل اول: کلیات

- ۱- ضرورت و اهمیت موضوع..... ۶
- ۲- هدف..... ۶
- ۳- پرسشهای تحقیق..... ۷
- ۴- ماهیت تصوف و عرفان..... ۸
- تفاوت تصوف و عرفان..... ۱۰
- تاریخچه بحث..... ۱۲
- عرفان شریعت مدار و شریعت گریز..... ۱۴
- الف) پیدایش انحراف از شریعت در میان صوفیان..... ۱۴
- ب) اعتراف برخی از اهل تصوف به وجود این انحراف..... ۱۸
- ج) تفکیک صوفی از متصوف و مستصوف..... ۲۰
- د) ویژگی های عارفان ربانی و شریعت مدار..... ۲۲
- ۱- تقدم تزکیه بر علم..... ۲۲
- ۲- اصالت نصوص اسلامی و تعبد به آن..... ۲۲
- ۳- التزام به احکام دین..... ۲۳
- ۴- نفی امتیاز و خود بزرگ بینی..... ۲۳
- ۵- اصالت ذکر و توجه به خدا..... ۲۳
- ۶- توجه به عمل و عدم اکتفا به نیت..... ۲۴
- ۷- تحریم بدعت..... ۲۴
- ۸- عدم مطلق گرایي..... ۲۴
- ۹- اسناد در دین..... ۲۵
- ۱۰- اجتناب از گفتار مشتبه و اغوا کننده..... ۲۵
- ۱۱- التزام به سواد اعظم..... ۲۶
- ۱۲- بی خرقه و بی سلسله..... ۲۶
- ۱۳- تقدم واقعیت بر مصلحت..... ۲۶

۲۶ (ه) اختیارات اقطاب

فصل دوم: اصطلاحات چهارگانه

۳۰ شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت

۳۳ ۱- شریعت در لغت و اصطلاح:

۳۳ ۲- شریعت در اصطلاح قرآن:

۳۴ ۳- طریقت در لغت:

۳۵ ۴- حقیقت: در لغت:

۳۵ شریعت، طریقت، و حقیقت در اصطلاح عرفاء و صوفیه

۳۹ معرفت

۴۱ ویژگی های طریقت: بیان مقامات

۴۲ ۱- توبه:

۴۲ ۲- ورع:

۴۳ ۳- زهد:

۴۳ ۴- فقر:

۴۳ ۵- صبر:

۴۴ ۶- توکل:

۴۴ ۷- رضا:

۴۵ اما توضیح مختصری در بیان احوال:

۴۵ ۱- مراقبه:

۴۶ ۲- قرب:

۴۶ ۳- محبت:

۴۷ ۴- خوف:

۴۷ ۵- رجا:

۴۸ ۶- شوق:

۴۸ ۷- انس:

۴۸ ۸- اطمینان:

۴۹ ۹- مشاهده:

۵۰ سیر پیدایش اصطلاحات چهارگانه

۵۲ اصطلاحات چهارگانه در روایات

۵۲ مقایسه شریعت، طریقت و حقیقت و ارتباط آنها با تخلیه تخلیه و تجلیه

۵۷	مفاهم سه گانه بدیل در دیدگاه سید حیدر آملی
۵۸	الف) نبوت، رسالت و ولایت
۵۹	ب) وحی، الهام و کشف
۶۰	ج) اسلام، ایمان و ایقان
۶۲	د) علم الیقین، عین الیقن و حق الیقین

فصل سوم: شریعت، طریقت و حقیقت در

آثار عارفان شریعت مدار

۶۵	انفکاک نا پزیری شریعت و حقیقت
۷۸	بررسی حدیث:
۷۹	نامتناهی بودن حقیقت:
۸۱	دلایل عرفاء بر لزوم پیروی از شریعت
۸۳	تکالیف بیشتر برای اهل حقیقت
۸۸	عبادت عارفان (عباده الاحرار)
۹۱	پیامبران و امامان اسوه نیکو برای عارفان حقیقی
۹۸	آیه ((واعبد ربک حتی یأتیک الیقین)) و مقصود از آن:
۱۰۲	دوام تکلیف و عبادت از نظر عقل
۱۰۵	هدف تکلیف

فصل چهارم: شریعت، طریقت و حقیقت از نظر

عارف نمایان صوفی

۱۰۹	بی نیازی از شریعت در پی دست یابی به حقیقت
۱۲۰	مبانی شریعت گریزی
۱۲۰	۱- شریعت فقط وسیله
۱۲۲	۲- اعتقاد به حلول و اتحاد
۱۲۴	یکسان بودن همه ادیان
۱۲۶	۴- کشف و الهام
۱۲۹	۵- فناء فی الله

۱۳۲	مبانی دیگر برای شریعت گریزی
۱۳۲	۱- هدف توجیه گر وسیله
۱۳۲	الف) سماع
۱۳۵	ویژگی های مجلس سماع
۱۳۵	۱- رقص:
۱۳۶	۲- تمزیق خرقه:
۱۳۷	۳- حضور شیخ در مجالس زنانه:
۱۳۸	۴- شعر به جای قرآن:
۱۳۹	۵- پایکوبی در عزاداری
۱۴۰	ب) عشق صوری و مجازی
۱۴۳	۲- سکر و مستی و خروج از بند تکلیف
۱۴۶	۳- تقدیر ازلی
۱۴۹	ابلیس در آثار بزرگان صوفیه
۱۵۰	۴- بی نیازی خدا از عبادت بندگان
۱۵۱	۵- رحمت بیکران الهی
۱۵۱	۶- برداشت نادرست از شفاعت
۱۵۴	شریعت ویژه اهل طریقت
۱۵۸	تقسیم به ظاهر و باطن
۱۶۱	حضرت موسی و حضرت خضر نمادی از ظاهر و باطن
۱۶۳	توجیه شریعت مداری پیامبران و ائمه (ع)
۱۶۵	تأویل نادرست از سقوط تکلیف
۱۶۷	خلاصه و نتیجه گیری:
۱۷۲	فهرست منابع

مقدمه

مقدمه

حمد و سپاس پروردگاری را، که خالق جهان و جهانیان و آفریننده تمام کائنات است. روح و حقیقت دین، محبت و ایمان به خدا است و این محبت و ایمان به خدا که سراسر وجود انسان را فرا می‌گیرد و او را از تمام علایق مادی و فانی دنیوی دور می‌سازد و در مسیر صحیح زندگی قرار می‌دهد، جز با اطاعت و پیروی از دستورات الهی میسر نیست و سرپیچی و تخلف از دستورات الهی نشانه عدم محبت به پروردگار و عدم ایمان، به او است. و در نهایت عامل بُعد از اوست.

جای بسیار خوشحالی است که در جامعه امروز که مادیات جای معنویات و بندگی ثروت و مال دنیا جای پرستش خدا و ظاهر جای باطن و درون آدمی را گرفته انسانهایی پیدا می‌شوند که ظاهر و باطن را با هم مورد توجه قرار داده‌اند و در مسیر خدا جویی طبق قوانین و حیانی و پیروی از پیامبران الهی در پرتو نور شریعت به سوی حقیقت مطلق به حرکت خود ادامه می‌دهند.

خالق منان دستور بهره برداری از جهان را برای بندگان از راه لطف بیان نموده و قوانین زندگی فردی و اجتماعی را بوسیله انبیاء عظام فرستاده زیرا بشر بدون قانون نمی‌تواند بماند و افکار بشری که آکنده از حرص و از حب ریاست و برتری است نمی‌تواند برای هم‌نوع خود قانونی آورد که ضامن سعادت دنیا و آخرت او شود فقط قانون الهی می‌تواند او را به سعادت دو جهان رهبری کند خلقت این جهان مقدمه جهان دیگر و عالمی برتر (آخرت) قرار داده شده

و بشر چند روزی برای بهره برداری در آن توقف دارد باید بداند چه کند تا از وجود خود و منافع جهان بهره برد این سفره پر نعمت الهی مطابق برنامه ای که خالق آن معین کرده باید مورد توجه قرار گیرد تا نردبان ترقی به سوی او گردد و آن برنامه همین دین اسلام است که جامع تمام احکام است و اگر کم و زیادی در آن واقع شود یا نا اهلی متصدی امور آن گردد موجب انحراف پیروانش می شود.

بنابر این برای هر فردی واجب است دین الهی و قانون خدایی را از محل دست نخورده و از جایی که کم و زیاد نشده باشد، بدست آورد و مطابق آن رفتار کند تا به سعادت برسد. عرفای حقیقی نیز مانند دیگر اقشار مسلمانان سیر به طرف خدا و رسیدن به حقیقت مطلق را در برنامه های دین اسلام و شریعت الهی جستجو می کنند و تخطی از شریعت را در هیچ حال و مقامی جایز نمی دانند اما میان پیروان این مسلک که بیشتر به اسم صوفی معروف اند به کسانی بر می خوریم که پیروی از شریعت را تا حد معینی لازم می دانند و بعد از آن سالک را آزاد می دانند تا طبق یافته های خود عمل کند در این صورت ممکن است این پرسش پیش آید که اصولاً رابطه شریعت، طریقت و حقیقت چگونه است؟ همراهی شریعت تا کدامین منزل سلوک است؟ آیا منزلی وجود دارد که سالک پس از سیر در منازل و عبور از آن خود را بی نیاز از شریعت تلقی کند یا نه؟

وجود این پرسش ها نگارنده را بر آن داشت تا رابطه این سه مفهوم را از دیدگاه عرفاء اسلام به طور مفصل مورد بررسی قرار دهد.

از زمانی که عرفان به عنوان یک راه و روش مورد توجه قرار گرفت، همواره مورد رد و پذیرش و نقض و اثبات متفکران اسلامی و غیر آن بوده است. و سه نوع واکنش نسبت به آن صورت گرفته.

۱- عده ای مسیر افراط را طی کرده و راه نجات بشر را در همین راه دانستند و نسبت به هر پدیده ای، تفسیر باطنی کردند و ارزش و بهایی به ظواهر ندادند. این امر موجب شد تا آنان

وظایف خود را از دین داران جدا نمایند و پیامبران الهی را فقط برای عوام لازم بدانند و برای خود اقطاب و رهبران دیگری بر گزینند.

۲- برخی دیگر در برابر این گروه قرار گرفتند به شدت با عرفان به مخالفت برخاستند و آن را بزرگ ترین عامل انحراف و سبب تحریف شمردند و بدین بهانه هر نوع سیر و سلوک عرفانی را تحریم کردند.

۳- دسته سوم کسانی بودند که راه اعتدال در پیش گرفتند و به نقد منصفانه پرداختند اینان توجه به ظواهر و بواطن را از ضروریات حیات انسانی دانستند و هر دو را در کنار یکدیگر در پیروی از شریعت معنا می کنند. سعی و تلاشی نگارنده این است که با نقد و بررسی در دسته سوم قرا گیرد و با نقد منصفانه میان عرفان ناب و عرفان حقیقی با عارفان التقاطی و عارف نمایان تفکیک قائل شده باشد.

و من الله التوفیق

فصل اول

کلیات

۱- ضرورت و اهمیت موضوع

شریعت، طریقت و حقیقت از ابتدای شکل گیری تصوف و عرفان میان مسلمانان همواره مورد بحث و گفتگو بوده است و اکثر مخالفان تصوف و عرفان به این تقسیم بندی به طور قاطع حمله برده آن را بدعت و مخالف آموزه های اسلامی و زمینه ساز اباحه گری و شریعت گریزی قلمداد می کنند.

اکثر نظرات در این زمینه خالی از افراط و تفریط نیست لذا ضروری دانستیم که دیدگاه های مختلف در این زمینه را بیاوریم و مبانی آن را مورد بررسی قرار دهیم تا حقیقت برای صاحبان خرد و تشنگان حق و حقیقت روشن شود و پیروان اسلام بدانند که کدام دیدگاه با منطق اسلام سازگاری دارد.

اهمیت بحث نیز با توجه به شریعت مقدس الهی که هدف و دغدغه اصلی انبیاء ترویج آن بوده است و به پیروی از آنان علما و عرفای اسلام نیز ترویج قوانین انسان ساز شرع مقدس را که منبع آن وحی است دغدغه اصلی خود قرار داده اند و به طرق مختلف از جمله گفتاری و رفتاری مردم را به طرف آن راهنمایی می کنند، روشن می شود.

۲- هدف

هدف اصلی این تحقیق مبارزه با اعتقادات غلط و ضد اسلامی است که به علت عدم تبیین یا تبیین غلط سه واژه شریعت، طریقت و حقیقت مکتب تصوف و عرفان در میان بعضی از مردم مسلمان از جمله مسلمانان پاکستان رواج یافته اند و آنها را از احکام و قوانین اسلام دور نگاه داشته اند و به جای علماء و فقهاء که حافظان قرآن و سنت و وارثان مکتب اهل

بیت(ع)اند؛ به دنبال افرادی می روند که خواسته یا نخواستہ بر ضد دین اسلام و مکتب اهل بیت(ع) مبارزه می کنند. و مردم را به طرق مختلف از پیروی شریعت الهی به سوی هوسهای شیطانی می برند.

قطعاً یکی از اصلی ترین علت انحراف مردم در این زمینه عدم آگاهی آنها نسبت به ماهیت این سه واژه و ارتباط آنها با یکدیگر است به فرموده امام علی(ع) : «لایری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً» به خاطر خلاصی از جهل که مادر افراط و تفریط است این تحقیق هدف خود را در آگاهی مردم دنبال می کند و در ضمن تحقیق سعی شده به پرسشهایی که در این زمینه مطرح می شوند پاسخ دهد. تا اتمام حجت باشد بر کسانی که علم مخالفت با شریعت مقدس اسلام بر افراشته اند و همچنین برای کسانی که انصاف به خرج می دهند و طبق فطرت پاک انسانی به دنبال حق می گردند، قضاوت و داوری نمایند.

۳- پرسشهای تحقیق

در این جا به سؤالاتی اشاره می کنیم که سعی نوشتار بر آن است که طی تحقیق به آنها پاسخ دهد و در واقع رسیدن به هدف تحقیق در پاسخ به این سؤالات نهفته است.

۱- آیا فرقی بین صوفی و عارف وجود دارد یا مترادف اند؟ و آیا خود صوفیان همه صوفیان را قبول دارند یا میان آنها فرق می نهند؟ در این صورت ویژگی های عارفان شریعت مدار چیست؟

۲- آیا شریعت، طریقت و حقیقت اصطلاحاتی شرعی اند که مأخوذ از کتاب و سنت باشند؟ یا اصطلاحاتی ساخته عارفان و صوفیان؟

۳- آیا شریعت، طریقت و حقیقت مراتب سه گانه یک حقیقت اند یا حقایق سه گانه و آیا عارف با رسیدن به حقیقت از شریعت بی نیاز می شود؟ و اینکه دسترسی ضد در صد و کامل به حقیقت مطلق امکان پذیر است و آیا پیامبران الهی به حقیقت رسیده اند یا نه و در صورتی که به حقیقت رسیده اند چرا پای بند شریعت اند؟

۴- آیا شریعت الهی نیاز ظاهری و باطنی انسان را بر آورده نمی‌کند تا ما به ریاضت‌های جدید که ساخته آدم‌های غیر معصوم اند نیاز داشته باشیم؟
و در ادامه این سؤال مطرح می‌شود که آیا شریعت و طریقت صوفیانه با هم فرق دارند؟ و هم چنین آیا همه صوفیان شریعت گریزند، یا همه شریعت مدار یا بعضی شریعت گریزند و بعضی شریعت مدار و صوفیان شریعت گریز چه مبنای را برای شریعت گریزی خود مطرح کرده‌اند؟

۵- ماهیت تصوف و عرفان

دو واژه عرفان و تصوف معمولاً مرادف با یکدیگر به کار می‌روند؛ اگرچه تفاوت‌های نیز میان آن دو ذکر کرده‌اند که بعداً اشاره خواهد شد.

پیدایش واژه صوفی و تصوف مربوط به نیمه اول قرن دوم هجری است؛^۱ اما واژه عرفان به معنای مصطلح آن از قرن سوم هجری به بعد رواج یافته؛^۲ اگرچه پیش از آن نیز در برخی از کلمات به کار می‌رفته است.

به گفته برخی از نویسندگان تصوف یا عرفان، نزد مسلمین عبارت است از آمیزه‌ای از فلسفه و مذهب که به عقیده پیروان آن، راه وصول به حق منحصر بدان است. و این وصول به کمال و حق متوقف است بر سیر و تفکر و مشاهداتی که مودعی به وجد و حال و ذوق می‌شود و نتیجه آن به نحو اسرار آمیزی، انسان را به خدا متصل می‌سازد. پیروان این طریقه، به صوفی و عارف و اهل کشف معروف اند و خود را «اهل حق» می‌نامند.^۳

در مقدمه کتاب عوارف المعارف می‌خوانیم:

«از مطالعه تعاریف مختلف «صوفی» و «متصوف» و «تصوف» چنین بر می‌آید که گروهی که در کشف حقایق هستی به ذوق و اشراق و نه برهان و استدلال توسل جستند، صوفی و

۱- مبلغی آبادانی، عبد الله، تاریخ صوفی و صوفی گری، حر، قم، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲- شیروانی، علی، دین عرفانی و عرفان دینی، دار الفکر، قم، ۱۳۷۷، ص ۱۹.

۳- غنی، قاسم، تاریخ تصوف در اسلام، زوار، تهران، ۱۳۸۲، چاپ نهم، ج ۲، ص ۱۴ و ۱۵.

متصوف نام گرفته‌اند؛ و راهی که برای وصول به حقیقت بر گزیده‌اند، تصوف خوانده می‌شود»^۱

در فرهنگ اصطلاحات عرفانی دربارهٔ عرفان چنین آمده است:

«عرفان در لغت به معنای شناخت و شناسایی است؛ اما در اصطلاح روش و طریقه ویژه است که برای دستیابی و شناسائی حقایق هستی و پیوند و ارتباط انسان با حقیقت بر شهود، اشراق، وصول، اتحاد با حقیقت تکیه دارد»^۲

عبد الرزاق کاشانی می‌گوید: «عارف کسی است که خدا او را به مرتبهٔ شهود ذات و اسماء و صفات خود رسانیده باشد، و این مقام به طریق حال و مکاشفه بر او ظاهر شده باشد، نه به مجرد علم و معرفت حال»^۳

پس روشن می‌شود که عرفان یک روش مخصوصی است که در نتیجهٔ آن انسان به معرفت حق می‌رسد که خود این معرفت نیز نتیجهٔ شهود است؛ شهودی که مهم‌ترین رکن عرفان به شمار می‌رود و همین رکن عرفان را از فلسفه جدا می‌کند؛ چون در فلسفه نیز معرفت و شناخت حاصل می‌شود؛ اما نه از راه کشف و شهود، بلکه از راه ایستادگی، برهان و علم و به قول صوفیان، در عرفان حال است و در فلسفه قال.

اما تصوف در لغت به معنای پشمینه پوشیدن است که مأخوذ از صوف به معنای نوعی از پشمینه است. و در اصطلاح از خواهش‌های نفسانی پاک شدن و اشیاء عالم را مظهر حق دانستن آمده است.

عبد الرزاق کاشانی می‌نویسد: «تصوف یعنی متخلق شدن به اخلاق الهی» در حاشیه کتاب مذکور آمده است که تعاریف زیادی برای تصوف ذکر شده حتی سهروردی گفته که تعاریف و اقوال مشایخ در ماهیت تصوف بیش از هزار تا است.^۴

۱ - سهروردی، شهاب‌الدین، عوارف المعارف، شرکت علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴، چاپ دوم، ص ۱.

۲ - شیروانی، علی، دین عرفانی و عرفان دینی، پیشین، ص ۱۳.

۳ - العارف من اشهد الله ذاته و صفاته و اسمائه و افعاله فالمعرفة حال تحدث عن شهود. (کاشانی، عبد الرزاق، اصطلاحات صوفیه، حکمت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۸۵.

۴ - التصوف هو التخلق بالاخلاق الالهية، (کاشانی، عبد الرزاق، اصطلاحات صوفیه، پیشین، ص ۱۲۷.

سهروردی می‌گوید: «چون این طایفه، در تزکیه نفس و تصفیة دل و تجلیه روح ید بیضا نمودند، از جمله مقربان و مخصوصان حضرت عزت گشتند و بدین اسم مشهور شدند»^۱

سهروردی در این جا صوفی را مشتق از صفا دانسته اگرچه معروف همان است که به خاطر پوشیدن لباس خشن و مخصوص که از صوف بوده اینها را صوفی می‌خوانند، درباره منشأ اشتقاق واژه صوفی، اقوال فراوانی وجود دارد که تعداد آنها به ده بیست نظریه می‌رسد.

آقای جلال الدین همائی در مقدمه کتاب مصباح الهدایة^۲ به این اقوال اشاره کرده است.

تفاوت تصوف و عرفان

اگرچه این دو کلمه به جای یک دیگر به کار می‌روند و مرادف به نظر می‌رسند اما ارتکاز حاصل از ملاحظه موارد استعمال این دو واژه بیانگر آن است که میان آنها تفاوت‌هایی وجود دارد.

واژه تصوف و صوفی کاربردی دیرینه تر از واژه عرفان و عارف دارد.

قبلاً اشاره شد که لفظ عارف در قرن سوم هجری معمول گشت؛ در حالیکه لفظ صوفی در قرن دوم رایج شده است.

برای دریافت نکات تفاوت این دو تعبیر باید گفت:

کسانی که در طول تاریخ اسلام به صوفی معروف شده‌اند، نسبت به کسانی که به عرفان منسوب گشته‌اند، از لحاظ رفتاری و طرز اعتقاد با آداب و رسوم اسلام فاصله بیشتری دارند و بیشتر شریعت‌گریز بودند و نسبت به احکام اسلامی بی‌اعتنائی بیشتری از خود نشان می‌دادند. در تاریخ فرهنگ اسلامی به کسانی بر می‌خوریم که اطلاق نام صوفی بر آنها روا است؛ اما به هیچ وجه نمی‌توان آنها را عارف نامید. از سوی دیگر کسانی را می‌توان یافت که به معنای

۱ - سهروردی، شهاب الدین، عوارف المعارف، پیشین، ص ۸.

۲ - اثر عز الدین محمود، کاشانی، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: نشرهما، چهارم، ۱۳۷۲ش.